



**نویسنده:** جونید اس احمد «Junaid S.Ahmad» .

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2024-02-02»

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

## ژنرال های بایدن در پاکستان

### Biden's Generals in Pakistan



عمران خان

از آنجایی که جهان وبه ویژه مسلمانان به درستی بر نسل کشی صهیونیست ها در غزه متمرکز شده اند، به نظر می رسد جنایت های پرزیدنت **بایدن** را در بخشی دیگر از جهان فراموش کرده ایم.

در واقع، همانطور که وحشی گری اسرائیل از صمیم قلب توسط دولت **بایدن** حمایت شده است، عملیات تغییر رژیم در ماه مارس تا آوریل 2022 در پاکستان نیز تحت نظر **بایدن** بود. بیشتر و بیشتر پاکستانی ها، به ویژه در بزرگ ترین و از نظر سیاسی در مستقر و مسلط ترین ولایت یعنی پنجاب، به توهین آمیز بودن این کشور پی برده اند. اگرچه سایر ولایات پاکستان هیچ توهمی از نقش پلید و خشونت آمیز ژنرال ها در زندگی اجتماعی و سیاسی پاکستان نداشتند، مردم پنجاب پس از برکناری نخست وزیر پیشین عمران خان، مجبور بودند خشم عذاب آور مقامات ارشد نظامی را تجربه کنند. به خونسردی فرماندهی عالی نظامی پی ببرید.

**خان** از اوت سال گذشته به اتهامات مختلف واهی و مسخره در زندان به سر می برد. و اکنون، او و یکی دیگر از اعضای ارشد حزب سیاسی **خان**، وزیر خارجه سابق شاه محمود قریشی، به دلیل رسوایی ظاهری دروازه سافیر به ده سال زندان محکوم شده اند. «سافیر»، یک تلگراف دیپلماتیک محرمانه که توسط سفیر پاکستان در واشنگتن در مارس 2022 به اسلام آباد فرستاده شد، کاملاً به صراحت تمایل آمریکا را برای برکناری **خان** از قدرت بیان کرد. این وظیفه به دوستان قدیمی واشنگتن در دوران جنگ سرد در گارد پراتورین پاکستان سپرده شد تا این مأموریت را انجام دهند.

پس از اینکه **خان** توسط یک نهاد نظامی- سفارت ایالات متحده از قدرت برکنار شد. در اسلام آباد رأی عدم اعتماد را در پارلمان مهندسی کرد، او کاملاً برای پاکستانی ها توضیح داد که این یک توطئه تغییر رژیم است که از یک طرف شامل ایالات متحده می شود. و ژنرال ها و سیاستمداران دزدسالار پاکستان از سوی دیگر. در آن زمان، متأسفانه، کسانی که از لحاظ تاریخی با نقش ارتش در سیاست پاکستان مخالف بودند، از باور **خان** امتناع کردند - اساساً او را یک مهره توطئه گر می دانستند. پس از گذشت بیش از یک سال پس از برکناری **خان**، نشریه آنلاین آمریکایی *The Intercept* تایید کرد که تلگراف رسمی دیپلماتیکی که **خان** به آن اشاره کرد در واقع واقعی است و محتوای آن به هیچ وجه اصرار آمریکا برای برکناری **خان** از قدرت را نشان می دهد. در حال حاضر، حتی سرسخت ترین «منکران رمز» نیز مجبور شده اند صحت ادعاهای **خان** را در زمان عملیات موفقیت آمیز تغییر رژیم در کشور تصدیق کنند. فاجعه این بود که خانه های رسانه های بزرگ در پاکستان به فشارهای دولتی برای پاک کردن نام **عمران خان** از هرگفتار عمومی تن دادند و روزنامه نگاری تحقیقاتی درخشان یک نشریه خارجی برای افشای همکاری خائنانه واشنگتن و ژنرال ها در پاکستان - به ویژه - **ژنرال باجووا**، رئیس ستاد ارتش (COAS) - در تحت سلطه قرار دادن خان و حزب سیاسی او، PTI، به توتالیترترین اش.

پس از دو دهه از «جنگ علیه تروریسم» که باعث ایجاد اصطکاک بین دستگاه های اطلاعاتی نظامی آمریکا و پاکستان شد، هر دو دریا فتند که در نهایت، همیشه در لگن به هم خواهند پیوست. ارتش پاکستان یکی از شرورترین آثار استعمار است. در طول جنگ سرد، روابط نو استعماری اش با واشنگتن به آرامی تغییر کرد. ژنرال های پاکستان هرگز از این واقعیت غافل نمی شوند که میلیاردها دلار از دسیسه های آمریکایی در غرب و جنوب غرب آسیا به دست می آورند. نیروهای مسلح قدرتمند پاکستان به غیر از برتری دادن به عنوان ساتراپی امپراتوری آمریکا، چیزی جز سطوح شدید سرکوب، شکنجه، ناپدید شدن، و کشتار مردم خود ندارند.

با این حال، در طول دو سال گذشته، پاکستانی ها تا حدودی از میزان انتقام و سرکوب وحشیانه ای که **خان** و حزب سیاسی او را هدف قرار داده است، گیج شده اند. به نظر می رسد که تشکیلات نظامی هرگز به اندازه پس از برکناری **خان** و حمایت گسترده از او و حزبش احساس ناامنی نکرده است. ترتیب کاملاً درک شده بین هر دولت غیر نظامی و COAS و تشکیلات اطلاعاتی نظامی این بود که اولی موافقت می کند که کنترل کامل

"امنیت ملی" و سیاست خارجی را به دومی واگذار کند. ژنرال‌ها به طور فزاینده‌ای احساس می‌کردند که **خان** با قرار دادن خود به عنوان کسی که هدایت کشور را در صحنه جهانی تعیین می‌کند، شروع به نقض این «معارف رفتار» کرد. بعلاوه، اربابان غربی ژنرال‌ها، **خان** را خاری در کنترل مستبدان مسلمان در غرب آسیا می‌دیدند که اکثر آنها در مسیر عادی سازی با اسرائیل بودند، چشم‌هایشان را بر فاشیسم هندوتوا در هند می‌بستند و مهندسی می‌کردند. اسلام دوستدار امپراتوری. برعکس، **خان** با شور و اشتیاق در مورد عدالت برای فلسطینی‌ها و کشمیری‌ها صحبت کرد، مقوله‌های امپریالیستی اسلام «میان‌رو» یا «افراطی» را رد کرد و ظهور اسلام‌هراسی و تأثیر اجتماعی و سیاسی وحشتناک آن را در سراسر جهان محکوم کرد. محبوبیت و تمایل شدید او برای گرد هم آوردن کشورهایمانند مالزی، ترکیه، اندونزی، ایران و قطر به درستی به عنوان یک بلوک ضد هژمونیک در برابر سلطه عربستان بر جهان اسلام تلقی می‌شد. و در نهایت، تمجید **خان** از توانایی **چین** برای رهایی بیش از 800 میلیون نفر از فقر و درس‌هایی که برای کشورهای در حال توسعه مانند پاکستان ارائه می‌دهد و همچنین بی‌طرف ماندن در مناقشه روسیه و اوکراین، دولت امنیت ملی ایالات متحده را متقاعد کرد که این مرد باید حذف شود.

توجه به این نکته مهم است که تنفر ژنرال‌ها از **خان** به این دلیل نبود که او یک انقلابی بود. اما او به سیاسی کردن بخش‌های قابل توجهی از جمعیت، پیر و جوان، و به ویژه در پایگاه پشتیبانی تشکیلات نظامی - استان پنجاب، کمک کرد. اعتراض دسته جمعی پنجابی‌ها به تشکیلات نظامی برای ژنرال‌ها غیرقابل بخشش بود. پنجابی‌ها قرار بود رهبران نظامی خود را دوست داشته باشند یا حداقل به آنها احترام بگذارند، نه اینکه آنها را مانند پس از برکناری **خان** تحقیر کنند.

اغلب با رهبر محبوب پاکستان در دهه 1970، ذوالفقار علی بوتو - که قطعاً شخصیتی انقلابی در لفاظی‌های خود داشت، مقایسه می‌شود. اما دو تفاوت کلیدی اغلب نادیده گرفته می‌شوند. بوتو به پشتوانه خون‌بنگالی به قدرت رسید، مبارزات نسل‌کشی ژنرال‌های پاکستان غربی علیه جمعیت پاکستان شرقی - که پس از پیروزی در جنگ آزادیبخش، بنگلادش شد. حزب بوتو، PPP، اگر حمله نظامی بی‌رحمانه به کشور آینده بنگلادش نبود، به حزب سیاسی لیگ عوامی در پاکستان شرقی شکست می‌خورد. بوتو به شیوه‌ای بد بینا نه معامله‌گرانه، این لطف را با نجات و بازسازی یک ارتش تحقیر شده و شکست خورده پاکستانی جبران کرد. در واقع، بوتو برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی، به ویژه در استان‌های NWFP (که اکنون KPK نامیده می‌شود) و بلوچستان، به همان ارتش متکی بود. البته، هیچ‌یک از اینها نمی‌تواند انکار کند که بوتو یک رهبر بسیار محبوب بود.

اما ثانیاً، کاستی‌ها و اقتدارگرایی سیاسی خود بوتو در زمان قدرت، در نهایت منجر به سرخوردگی در پایگاه حمایتی او شد که نتیجه آن واکنش مردم نسبتاً ممتنع نسبت به

برکناری وی توسط دیکتاتور نظامی، ژنرال ضیاءالحق - و مانند مورد بود **خان**، یک تغییر رژیم که کاملاً توسط واشنگتن حمایت می شود .  
می توان ادعا کرد که **خان** نیز در پشت درگیری های موقتی تشکیلات نظامی با دو حزب سیاسی سلسله ای دیگر وارد عمل شد . اما مانند بوتو، هیچ کس نمی تواند ادعا کند که **خان** بسیار محبوب نبود . تفاوت عمده، البته، سرازیر شدن حمایت گسترده از **خان** پس از برکناری وی در تظاهرات در سراسر کشور است که بیش از یک سال تا آغاز سرکوب نظامی وحشیانه در ماه مه 2023 ادامه یافت . در واقع، شگفتی بسیاری برای بسیاری این بود که علیرغم عملکرد نسبتاً ضعیف در دوره حکومت خود، باز هم **خان** مانند همیشه محبوب بود، اگر نه بیشتر .

حماسه پرونده ها، اتهامات و محکومیت های علیه **خان** تقریباً از سوی تمام «240» .  
میلیون نفری پاکستان به عنوان یک نمایش دلچسب با انگیزه سیاسی دیده می شود . به طور خاص، محکومیت های اخیر در «دادگاه ها» که اصطلاح «دادگاه کانگورو» برای آن ها بسیار سخاوتمندانه، احترام آمیز و محترمانه است، به منظور تضعیف روحیه و وحشت بیشتر مردم قبل از «انتخابات» که قرار است در 8 فوریه برگزار شود، است برخی فکر می کنند که این انتخابات به شکل های انتخاباتی صدام حسین و حسنی مبارک رقابت خوبی می دهد .

در حالی که پاکستانی ها در داخل و خارج از کشور همچنان شاهد یک مزاحمت پس از دیگری هستند، تا ببینند تمامیت خواهی ژنرال ها و مافیای سیاسی مورد علاقه شان به اوج های جدید تر و بی رحمانه تر می رسد، این امید همچنان باقی است که مانند غزه، مقاومت مردم و همبستگی بین المللی ممکن است بتواند مانعی جدی برای اتاق های شکنجه ژنرال **بایدن** که بر کشور تحمیل شده است ایجاد کند . و دسیسه ها و دعوای همیشگی قصر های نخبگان سیاسی و نظامی می تواند تمام برنامه های اصلی تنبیه دائمی هماهنگ و منظم مردم را از مسیر خود خارج کند .

با این وجود، یک داستان کم گزارش شده در طول دو سال گذشته مربوط به افسران و اکثریت قریب به اتفاق سربازان بوده است که چیزی جز انزجار از دشنام های فرماندهی عالی تشنه به خون نداشته اند و باعث شده است که بسیاری از آنها ناپدید شوند یا مجبور به استعفا شوند ، یا صرفاً بدون بازنشستگی استعفا می دهند .

در غیاب توانایی مردم برای آغاز یک چالش مؤثر و سهمگین برای نخبگان نظامی و سیاسی کمپرادور و واشنگتن، کودتای افسران مترقی ممکن است ایده بدی نباشد .

## سطری در مورد نویسنده این مقاله تحلیلی :

جنید س احمد جنید اس . احمد، دین و سیاست جها نی تدریس می کند و مدیر



مرکز مطالعات اسلام و استعمار، اسلام آباد، پاکستان است .

-----  
**با تقدیم احترامات «2024-02-05»**